

## وَاکاوی مفهوم مهندسی فرهنگی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری<sup>\*</sup>

زهره صمدیان<sup>۱</sup>  
 علی شفیعی فینی<sup>۲</sup>

### چکیده

مهندسی فرهنگی ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر که مقام معظم رهبری<sup>ب</sup> بارها به آن اشاره فرموده و آن را از وظایف اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی شمرده‌اند. این امر مهم، مستلزم بررسی همه جانبه ابعاد و مسائل مطرح در مهندسی فرهنگی است. بر این اساس مقاله حاضر به وَاکاوی مفهوم مهندسی فرهنگی می‌پردازد. در این مقاله ابتدا ضرورت و اهمیت موضوع بیان می‌شود، سپس مفاهیم اساسی از جمله فرهنگ، مهندسی و مهندسی فرهنگی تعریف می‌شود، هم‌چنین به بررسی سطوح فرهنگ و مهندسی فرهنگی پرداخته می‌شود. علاوه بر این، تلاش شده است با بهره‌گیری از کلام رهبر معظم انقلاب<sup>ب</sup> اصول حاکم بر مهندسی فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. واژگان کلیدی: فرهنگ، مهندسی، مهندسی فرهنگی، مقام معظم رهبری.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

۱. کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی (نویسنده مسؤول)  
samadiyan89@yahoo.com  
shafieeali2000@gmail.com

۲. کارشناس ارشد فیزیک

## مقدمه

### ضرورت و اهمیت مهندسی فرهنگی

نخستین پرسشی که پیرامون پرداختن به یک موضوع علمی و پژوهشی ذهن هر پرسش‌گری را به خود مشغول می‌کند، این است که «اصولاً چه ضرورتی دارد عمدہ‌ای از فعالیت‌های پژوهشی عده‌ای از محققان مصروف چنین موضوعی شود؟». اصولاً چه دلایل ایجابی و سلبی ذهن پژوهش‌گران را به خود مشغول کرده است؟ چرایی، اهمیت و ضرورت مهندسی فرهنگی یا به عبارتی اهمیت پیرایش و آرایش، ارتقاء و تکامل فرهنگ در شؤون مختلف هر جامعه، به اندازه‌ای است که باید آن را هم‌سنگ، بلکه فراتر از مسئله مرگ و زندگی برای آن جامعه تلقی کرد. جامعه‌ای که به هر دلیل و چه بسا به سبب هجوم فرهنگ بیگانه، فرهنگش آلوده، مسموم و منحط شده یا از هویت دینی، ملی و تاریخی اش فاصله گرفته باشد، مانند آذیزان است که در آب آلوده شناور شده باشند؛ به طور طبیعی دیر یا زود، مرگ آن فراخواهد رسید. ما اگر انسان را موجودی فرهنگی تعریف کنیم و حیات طیبه‌اش را در گرو فرهنگ پاک او بدانیم، باید همچنان که برای تنفس سالم او نسبت به محیط زیست و عوامل مخرب آن حساسیت نشان می‌دهیم و در تلاش شبانه‌روزی آن را آفت زدایی می‌نماییم تا در مسیر تولید اکسیژن هر آنچه مراحم است را پالایش کند، برای سالم نگه داشتن فضای فرهنگی جامعه هم باید به مهندسی این فضا و پاکسازی آن پردازیم. از این رو برخی از مهم‌ترین دلایلی که به عنوان ضرورت مهندسی فرهنگی می‌توان مطرح کرد برمی‌شماریم.

- هجوم همه جانه فرهنگ مادی به فرهنگ توحیدی: تهاجم همه جانه فرهنگ و تمدن غرب به محور توحید که ویژگی اصلی و اساس وحدت جوامع اسلامی است، از جمله دلایلی است که ضرورت پرداختن به این موضوع را ضروری می‌نماید.

- لزوم تحقیق آرمان‌های دینی و ساماندهی آموزه‌های دینی: دین در تکامل

ماهیت انسان و در تکامل معنویت و انسانیت انسان نقش اساسی و بی‌بديل دارد به گونه‌ای که هیچ چیزی قادر نیست جای آن را بگیرد. بنابراین ما برای تحقق فرهنگ دینی باید نهایت توان خود را به کار ببریم و یکی از لوازم آن اجرای احکام دینی کشور است که ضرورت مهندسی فرهنگی را ایجاد می‌کند.<sup>(۵)</sup>

- مهندسی فرهنگی اساس بالندگی و پویایی: قابلیت، ظرفیت، شیوه القاء و اقناع، درجه و دامنه پویایی و بسط پذیری فرهنگ‌ها در دوره‌های گوناگون اغلب متفاوت بوده است. برخی فرهنگ‌ها در دورانی به پویایی و بسط درونی تمایل داشته و برخی دیگر به بسط و پویایی فرهنگی براساس نوع متغیرهای وارد بر عناصر آن به دو صورت سریع و کند ظاهر می‌شود.

ایجاد زمینه مبتکرانه با ابعاد تازه تهاجم فرهنگی غرب و از همه مهم‌تر تضمین حیات انقلاب اسلامی، به عنوان انقلاب عظیم فرهنگی، از دیگر وظایف عمده مهندسی فرهنگی است؛ بنابراین سرمایه‌گذاری مادی و معنوی جدی و سریع برای اجرای مهندسی فرهنگی، یکی از ضرورت‌های گریز ناپذیر قلمداد می‌شود (محسینیان زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

مقام معظم رهبری در بخشی از بیانات مهم خود در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳، پرداختن به مهندسی فرهنگی کشور را یکی از تکالیف مهم مسئولان نظام جمهوری اسلامی برشمرده‌اند و تأکید فرمودند: بی‌گمان در سایه وجود یک مدیریت راهبردی فرهنگی از حجم بسیاری از دغدغه‌ها و کاستی‌های احتمالی فرهنگی جامعه اسلامی به عنوان جامعه‌ای که در مسیر رشد روز افروزن در حال حرکت است، اندک اندک کاسته و مسیر رشد و تعالی همه جانبه در پرتو یک توسعه فرهنگی مطلوب هموارتر خواهد شد. اگر معرف باشیم به این حقیقت که در جامعه اسلامی اصل و محور، فرهنگ اخلاق و اصول اسلامی و انسانی می‌باشد، در آن صورت بی‌گمان باید پذیریم که توسعه فرهنگی مهم‌ترین نیاز خواهد بود که می‌توان به عنوان اولین عامل تأثیرگذار بر دیگر زمینه‌های اجتماعی در جامعه اسلامی از آن یاد کرد (ابراهیمیان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶).

## مفهوم شناسی فرهنگ

بی‌شک بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. فرهنگ به منزله هویت یک جامعه و تعیین کننده اندیشه و رفتار اعضاء آن جامعه است. در مورد فرهنگ تعبیر و توضیحات زیادی ارائه شده که یکپارچه کردن و همه را به نحوی در یک تعریف جامع و مانع در آوردن، مقدور نیست.

می‌توان فرهنگ را به کلیت در هم تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب فعالیت‌های اجتماعی تعبیر کرد که زمینه‌های غیرملموس آن به عنوان بخش ذهنی یا معنوی فرهنگ تلقی می‌شود و تمدن با آثار ملموس و ساختاری به عنوان بخش عینی یا مادی آن تعریف می‌گردد. بنابراین تعریف مهم‌ترین ارکان واژه فرهنگ در موارد زیر خلاصه می‌گردد:

**الف - تعریف حداکثری فرهنگ:** در این تعریف علاوه بر داخل دانستن تمدن در فرهنگ به بخش ذهنی آن نیز نگاه حداکثری شده و آن را در بالاترین حد تعامل با عوامل دیگر فرض کرده‌ایم.

**ب - نگاه سامان یافته به فرهنگ:** در این تعریف، فرهنگ، کلیت در هم تافته‌ای است که اجزاء آن با یکدیگر ارتباط سامانه‌ای دارند. بنابراین اگر فرهنگ را یک سامانه بدانیم مهندسی فرهنگ، مهندسی سامانه فرهنگ است؛ یعنی برای مهندسی فرهنگی لازم است اجزای فرهنگ را در جای خودشان قرار دهیم و تعامل آنها را به خوبی با هم برقرار کنیم (حبیبی، ۱۳۷۹، ص. ۵).

## مهندسی فرهنگی

مهندسي فرهنگي، تا آنجا که بررسی‌ها نشان می‌دهد، در ادبیات مدیریت و فرهنگ واژه‌ای نسبتاً نو و جدید است و در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامي <sup>ط</sup> در دیدار اعضای شورای عالي انقلاب فرهنگي، در تاريخ ۱۳۷۹/۹/۲۶ از آن

استفاده شده است. پیش از این اندیشمندانی از واژه مهندسی انسان استفاده کرده‌اند، اما واژه مهندسی فرهنگی جدید به نظر می‌آید.

(۷)

مهندسي فرهنگي کشور می‌تواند به این معنی باشد که باید برای کشور، نظامی بر مبنای فرهنگ، مهندسی و طراحی شود. این نظام، استانداردهای ویژه‌ای با عنوان استانداردهای نظام مهندسی فرهنگی دارد، به گونه‌ای که این استانداردها، معیار مهندسی و طراحی و مدیریت در همه سطوح نظام اداری کشور در بخش دولتی و خصوصی محسوب می‌شود.

در این نظام، فرهنگ ستون خیمه مدیریت کشور است؛ همان گونه که در تعابیر رهبر معظم انقلاب آمده است: فرهنگ مانند روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری حضور و جریان دارد (همان، ص ۹۱).

مهندسي فرهنگي شامل مواردی همچون مدیریت فرهنگی، سامانه‌های فرهنگی، بررسی شاخص‌های فرهنگی و روند رشد آنها، تعاملات فرهنگی با فرهنگ‌های دیگر، بخش‌های مهم فرهنگ کشور و راهبردها و راه کارهای رسیدن به سطح فرهنگ مطلوب می‌باشد. وقتی برای ساختاری نقشه‌ای کشیده می‌شود تمام بنيان‌ها و زوایای آن در نقشه دیده می‌شود و نحوه رسیدن به ساختار مشخص و نقشه‌های اجرایی و محاسبات، تهیه و تدوين می‌شود. وقتی همه نقش‌ها و محاسبات کامل شد، ساختار کلی فرهنگ کشور مشخص می‌شود (سیفی، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

بنابراین مهندسی فرهنگ عبارت است از تدوین و تهیه نقشه و طرح جامع و کاملی برای ساماندهی چهار زیر سیستم نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی کشور. مهندسی فرهنگ یعنی یک فرهنگ زلال ناب که به شکل مطلوبی درباره آن نظریه پردازی شده است.

علاوه بر تعاریفی که در بالا ذکر شد، در این جا اهمیت دارد تعریف مهندسی فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری نیز ارائه شود. ایشان در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرموده‌اند:

مهندسی کلان فرهنگ کشور، یعنی ترسیم راه‌های ضرورت تکامل فرهنگ ملی، در ک اشکالات و نواقص فرهنگ جامعه، تعیین راه حل‌های کلی رفع این نواقص، زمینه‌سازی و جهت‌دهی به حرکت صحیح و پر شتاب فرهنگی، صیانت و مراقبت صحیح از فرهنگ ملی (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳).

### سطح فرهنگ و مهندسی فرهنگی

صاحب نظران فرهنگ را در چند سطح تعریف کرده‌اند (فرهی بوزنجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

سطح	تعریف
فراملی:	هر نوع تمایزی که مرزهای ملی را در می‌نوردد یا بیش از یک ملیت وجود دارد.
منطقه	متعلق به گروهی از مردم بوده که در حوزه جغرافیایی واحدی زندگی می‌کنند.
نژاد	متعلق به گروهی از مردم بوده که دارای ویژگی‌های شخصیتی مشترک و متمایز هستند.
مذهب	متعلق به گروهی از مردم بوده که در آیین آسمانی خاص مشترک بوده و آنها را از سایر اقوام متمایز می‌کنند.
زبان	متعلق به گروهی از مردم بوده که به زبان واحدی صحبت می‌کنند.
ملی	ویژگی‌های جمعی که به شهروندان یک کشور نسبت داده می‌شود.
حرفاء	تمرکز روی تمایز بین وفاداری به سازمانی که افراد در آن مشغول هستند، در مقابل وفاداری به صنعت مربوطه
سازمانی	چسب اجتماعی و هنجاری که سازمان را یکپارچه می‌سازد.
گروه	تمایزات فرهنگی که بین یک گروه واحد، یک کارگروه یا هر جمعی از افراد که در سطحی پایین‌تر از سازمان با یکدیگر کار می‌کنند.

جدول شماره (۱): سطوح فرهنگ

بدیهی است که سطوح مختلف وابستگی درونی نسبت به یکدیگر دارند، به

طوری که فرد در درون گروه، گروه در درون سازمان، سازمان در درون حرفه، حرفه در درون ملت و ملت در درون منطقه، نژاد، مذهب و زبان قرار گرفته و از آن تأثیر می‌پذیرند.

(۹)

با عنایت به سطوح فرهنگ در اینجا به بررسی سطوح مهندسی فرهنگی می‌پردازیم:

- مهندسی فرهنگی نظام تربیتی: بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رهبر اسلام بر مبنای آیه ۲ سوره جمجمه می‌فرمایند: کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید، قبل از این که تعلیم و تعلم باشد. کوشش کنید که همدوش با درس خواندن و تعلیم، تربیت باشد که او مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم حکمت (صحیفه امام، ص ۵۰۷).

- مهندسی فرهنگی نظام آموزشی (تعلیم و تعلم): از جمله موضوعات مهم در مهندسی فرهنگی، نظام آموزشی به خصوص آموزش و پرورش می‌باشد، که معلمان در این فرایند و در تربیت شهروندان مطلوب جامعه نقش بنیادی دارند. مهندسی فرهنگی باید شامل هر چهار مؤلفه این نظام یعنی معلم و استاد؛ دانش آموز و دانشجو؛ محتواهای آموزشی و ساختار آموزشی باشد (مهر دوست، ۱۳۹۰، ص ۱). حیات طیبه باید در این چهار مؤلفه اصلاح شود، این همان مهندسی فرهنگی نظام آموزشی است.

- مهندسی فرهنگی مصنوعات و محصولات: انسان‌ها برای تأمین نیازهای معنوی خودشان دست به تولید کالا و خدماتی می‌زنند که آن را تحت عنوان کالا و خدمات فرهنگی مطرح می‌کنیم. انسان هنرمندی که یک اثر نقاشی را به عنوان یک کالای فرهنگی و یک مصنوع فرهنگی به جامعه عرضه می‌کند. این مصنوع فرهنگی اگر حاوی و حامل یک مفهوم کاملاً متعالی باشد، همه انسان‌های جامعه به اصطلاح نیاز معنوی و فطری خود را با آن تأمین می‌کنند، لذا این کالا پایدار می‌ماند. امروزه دیده می‌شود که بعضی از مصنوعات فرهنگی پایدار مانده‌اند، علت آن این است که یک مفهوم متعالی را به همراه دارند و به

جامعه عرضه می کنند؛ بنابراین مهندسی فرهنگی زمانی که براساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی صورت بگیرد. یک وحدتی در عین کثرت آن محصولات ایجاد می شود، چون فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، فرهنگی است که مفروض اساسی آن توحید است؛ بنابراین مهندسی عبارت است از طراحی، نوسازی، بازسازی و به عبارت جدیدتر، مهندسی مجدد همه پدیده‌ها، همه ساختارها و همه مصنوعاتی که امروز در اختیار انسان‌ها برای تأمین نیازشان وجود دارد (ناظمی، ۱۳۸۸، ص ۵).

- مهندسی فرهنگی سازمان‌ها: یکی دیگر از سطوح مهندسی فرهنگی مربوط به مدیریت سازمان‌هاست. سازمان‌ها بخش اعظم جامعه را در بر می گیرند. سازمان‌های انسانی محسوب می شوند که سازگار با فرهنگ و ارزش‌های انسانی محیطی خود، مهندسی و مدیریت شوند. نهادهای انقلاب اسلامی مصدق سازمان‌های فرهنگ مداری هستند که با حاکم بودن رویکرد فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی در مهندسی و مدیریت آنها می توانند تحقق بخش اهداف و آرمان‌های الهی و اسلامی بوده و محیط مناسبی را برای رشد و تکامل انسان فراهم سازند. مبانی مهندسی و مدیریت سازمان‌ها براساس فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر آن سازمان احصاء می شود. کل نگری و رویکرد سامانه‌ای، اصالت اهداف فرهنگی و تکاملی انسان، پیروی از الگوهای راهنمای انسان‌مداری در مقابل سازمان مداری، تکامل محوری در مقابل اقتصاد محوری و مصالح فردی در مقابل منافع فردی، مبانی شش گانه برشمرده شده برای مهندسی و مدیریت فرهنگی سازمان‌ها می باشد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۱).

- مهندسی فرهنگی نظام‌ها: فرهنگ خاص نظام عبارت است از باورها، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، نمادها و مصنوعات مرتبط با یک نهاد و بخش معینی از جامعه، همچون اقتصاد، علم و فناوری و بهداشت و سلامت. بر این اساس مهندسی فرهنگی نظام‌ها عبارت است از این که فرهنگ حاکم بر یک نهاد و مجموعه دستگاه‌های مرتبط با آن، براساس فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه

که هر نظام متعلق به آن جامعه است، تعیین و تعریف می‌شود.

- مهندسی فرهنگی کشور: فرایند تدوین، وضع و اعمال راهبردها و سیاست‌های کلان فرهنگی، سازماندهی و تقسیم کار ملی و نظارت و ارزیابی راهبردی در نظام‌های مختلف کشور با توجه به رهیافت‌های مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و مقتضیات ملی وجهانی است؛ بنابراین مهندسی فرهنگی کشور نوسازی و بازسازی نظام کلان کشور و نظام‌های فرعی مربوط به دستگاه‌ها، سیاست‌ها، قوانین و ساز و کارها برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف است (ناظمی، ۱۳۸۵، ص۵). به عبارت دیگر مهندسی فرهنگی کشور، نوسازی و بازسازی زیر نظام‌های کشور را در چارچوب هندسه نجومی جامعه، در پی خواهد داشت تا امکان بالفعل شدن همه توانایی‌های کشور و به خصوص توانایی‌های انسانی بر بستر فرهنگ و ارزش‌های الهی و اسلامی فراهم آید (فلاحی، ۱۳۹۱، ص۸).

- مهندسی فرهنگی منطقه‌ای: منظور از مهندسی فرهنگی منطقه‌ای، قلمرو جغرافیایی مهندسی فرهنگی کشور می‌باشد. در نظام‌نامه مهندسی فرهنگی در ذیل ماده ۲۷ در مورد قلمرو جغرافیایی نقشه مهندسی فرهنگی بیان شده است که کلیه مناطق محصور در درون مرزهای ایران و همچنین تمامی اماکنی که طبق موازین بین‌المللی یا توافقات طرفینی در اختیار و تصرف نهادها، دستگاه‌ها و شرکت‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، هم چنین کلیه محیط‌ها و فضاهای مجازی (سایر و دیجیتالی) که به طور مستقیم و غیرمستقیم، در چارچوب حاکمیت نظام جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد، قلمرو اجرایی نقشه کلیه نهادها، دستگاه‌ها، مراکز، انجمان‌ها و... کشور را در بخش‌های دولتی و غیردولتی (عمومی، خصوصی و مردم نهاد) را شامل می‌شود. آن چه اهمیت دارد این است که براساس ارزش‌های دینی و اسلامی و اهداف جامعه به بازسازی و نوسازی این قلمرو جغرافیایی طبق مهندسی فرهنگی اقدام نماییم ([www.mf.farhangoelm.ir](http://www.mf.farhangoelm.ir)).

- مهندسی فرهنگی جهان: صهیونیسم جهانی در چند دهه گذشته اقدامات

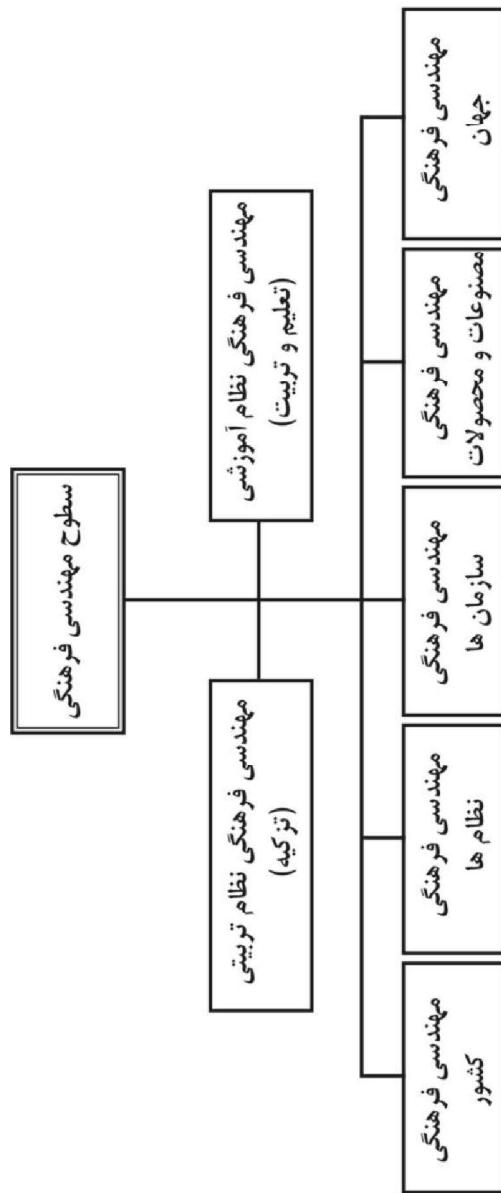
زیادی را برای جلوگیری از گسترش اسلام در جهان انجام داده است. گسترش اختلافات مذهبی و قومی، توسعه فساد اخلاقی و اعتیاد به مواد مخدر، به ویژه در نسل جوان مسلمان، راه اندازی انواع مختلف رسانه‌ها و افزایش تولید محصولات فرهنگی با محوریت تخریب مبانی فرهنگی ناب قرآنی، جذب مدیران جهان اسلام به الگوهای مدیریتی غرب و دور ساختن آنها از فرهنگ مدیریت قرآنی و هزاران پروژه عملیاتی دیگر، بخشی از این اقدامات محسوب می‌شود (علمداری، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی اسلامی (آیسیسکو)، که زیرمجموعه سازمان اجلاس اسلامی می‌باشد، عرصه مناسبی را فراهم کرده است تا کشورهای اسلامی با همکاری در زمینه‌های فرهنگ، علوم و آموزش در جهت نزدیک سازی ملل مسلمان به یکدیگر تلاش نمایند. مسؤولیت استراتژی فرهنگی جهان اسلام به عهده سازمان آیسیسکو بوده است. در واقع این سند تحکیم بخش اهداف وحدت اسلامی از جمله وحدت عقیده، دیدگاه‌ها، هدف و سرنوشت بوده و هست. استراتژی فرهنگی جهان اسلام، که بر هویت تمدنی - اسلامی تأکید دارد، وابستگی و پیوستگی امت اسلامی را با ریشه‌ها، ارزش‌ها و بنیادهای خود عمق می‌بخشد و سیاست همبستگی اسلامی را از نظر فلسفی، اعتقادی، رفتاری و نیز از لحاظ روش‌ها، شیوه‌ها و ابزارها تحکیم می‌کند (قدس، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰).

## نمودار مهندسی فرهنگی

۱۲

دکلای مفهوم مهندسی فرهنگی با تأکید بر دین گاه تمام معظام رسمی (مذکور)



## اصول حاکم بر فرایند مهندسی فرهنگ

دست یابی به نقشه‌ای مطلوب برای اصلاح، تکمیل و ارتقای فرهنگ جامعه، نتیجه‌ای است که از مهندسی فرهنگ انتظار می‌رود. این نقشه باید بتواند چیستی و چگونگی اصلاح فرهنگ را تبیین کند و نه تنها راهبردهای اساسی و کلان که راه کارهای عملیاتی و وحدت‌بخش در عرصه اصلاح فرهنگ را ارائه نماید. اصول لازم برای حصول این امر، پیش از آغاز تولید این نقشه، باید بررسی و مورد قبول واقع شود و در فرایند تولید کاملاً رعایت گردد. به نظر می‌رسد اصول زیر از مهم‌ترین آنها باشد:

### ۱. جامعیت/ تخصص

در مهندسی فرهنگ باید همه لایه‌ها، اجزاء و ابعاد فرهنگ در نظر گرفته شود و با نگاه واحد و جامع به مقوله فرهنگ توجه گردد. مبانی و نگرش‌های بنیادین فرهنگی، ارزش‌ها و چارچوب‌های اخلاقی، رفتارها، ساختارها و کنش‌های کلان و نیز اجزاء نمادین و ابزاری فرهنگ، همه و همه باید در این فرایند مورد توجه باشند و در نقشه‌ای که محصول مهندسی فرهنگ خواهد بود، لحاظ شوند. همچنین مراجع و منابع مختلف فرهنگ‌ساز، مبادی و رودی فرهنگ، ریشه‌ها و سرچشمه‌های تولید یا تحول فرهنگ و نیز الگوهای روش‌ها، ابزارها و... باید در این نقشه جایگاه خود را تعیین و تبیین نمایند. در عین حال رعایت اصل جامعیت باید تخصص علمی درباره هر بعد از فرهنگ را تحت الشاعع خود قرار دهد. هر کدام از لایه‌ها و ابعاد فرهنگ در این نقشه، باید مستند و متکی به دانش تخصصی خود مطرح شده و از اتفاقان و استحکام علمی برخوردار باشد. مقام معظم رهبری در رابطه با اصل جامعیت و داشتن رویکرد سامانه‌ای در مهندسی فرهنگی می‌فرمایند:

فرهنگ یک سیستم است و دارای انواع و اجزائی است و مهندسی فرهنگ به عنوان یک مهندسی سیستم باید انجام پذیرد (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳).

مهندسی فرهنگ این است که با رویکرد سامانه‌ای اجزاء فرهنگ، اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، در مجموعه فرهنگ جانمایی شده و روابط آنها برطرف شود (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳).

## ۲. آرمان‌گرایی / واقع‌بینی / آینده‌نگری

در مهندسی فرهنگ قطعاً، پیش از هر چیز، وضعیت مطلوب فرهنگ، به عنوان الگو و معیار، باید بررسی و بر سر آن توافق حاصل شود. این مهم در «نظریه ملی فرهنگ» تا حدود زیادی باید تدارک دیده شود، اما در کنار و در عین آرمان‌گرایی و توجه به وضع مطلوب، از واقع‌بینی و آینده‌نگری نباید غافل شد. واقع‌بینی نه به معنای تسلیم یا ترس از واقعیت‌های موجود، بلکه به معنی دریافتی درست، دقیق و واقعی از آنچه در عرصه فرهنگ وجود دارد و در امر مهندسی فرهنگ مطرح است، می‌باشد. بدون در اختیار داشتن نمایی جامع، صحیح و عمیق از امکانات و سرمایه‌های فرهنگی، کاستی‌ها و چالش‌ها، نقاط قوت و ضعف، تهدیدها، محیط پیرامونی و همه عواملی که در وضع موجود فرهنگ جامعه مؤثرند و نیز بدون ارزیابی واقع‌بینانه از لوازم، امکانات، نیروها، سرمایه فکری و اجتماعی و...، که در بهبود و اصلاح وضع موجود مورد نیاز است، نمی‌توان نقشه مورد نظر را ترسیم کرد. در کنار آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، آینده‌نگری نیز از اصول مهم در مهندسی فرهنگ است. فرهنگ به عنوان جوهری سیال و پویا و نیز امر واقع، مسیری را طی می‌کند که شرایط آینده جامعه و جهان، آثاری انکار ناشدنی و اغماض ناپذیر بر آن خواهد داشت. در فرایند مهندسی فرهنگ، توجه به این شرایط بسیار مهم است. البته تحلیل‌ها و بررسی‌های آینده‌نگرانه، کاملاً برخاسته از مبانی نظری و دریافت‌های فلسفی پذیرفته شده است. بنابراین «نظریه ملی فرهنگ» در چگونگی سمت و سوی آن بسیار مؤثر خواهد بود.

آینده فرهنگی جهان، آن گونه که در مبانی نگرش توحیدی و فرهنگ اسلام ناب ترسیم شده است، اگر مبنای نظری آینده‌نگری در مهندسی فرهنگ باشد، چشم‌اندازی روش را پیش روی ما قرار خواهد داد که در ارائه راه‌کارهای اساسی، مفید خواهد بود. تلفیق مناسب و رعایت هم‌زمان سه رکن آرمان‌گرایی، واقع‌بینی و آینده‌نگری باید از اصول اساسی مهندسی فرهنگ شمرده شود. در راستای بحث آرمان‌گرایی در مهندسی فرهنگی مقام معظم رهبری می‌فرمایند: در روش‌ها باید تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزء کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳).

باید فرهنگ کشور، صحیح و پالایش شده در مجرای درست قرار بگیرد؛ نقایصش تکمیل و ویرانی‌هایش ترمیم شود (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳). این سازندگی، سیر و تحول دائمًا باید در جامعه اسلامی و در نفوس انسان‌ها وجود داشته باشد و این البته یک حرکت هدایت‌گر فعال را ایجاد می‌کند (اولین هماندیشی بررسی ابعاد گسترش و تعمیق انقلاب فرهنگی اسلام، ۱۳۶۴).

حال تحول مردم باید ادامه پیدا کند تا کی؟... تا رسیدن به حالت یک انسان اسلامی کامل، یا رسیدن به یک شکل اسلامی کامل (اولین هماندیشی بررسی ابعاد گسترش و تعمیق انقلاب فرهنگی اسلام، ۱۳۶۴).

### ۳. مشارکت/اجماع

نقشه کلان و جامعی که برای اصلاح و ارتقاء فرهنگ ارائه می‌شود، باید به گونه‌ای طراحی گردد که برای بیشتر متصدیان فرهنگ جامعه، از اعتبار و مقبولیت برخوردار باشد. اجماع متصدیان بر سر این نقشه، عامل اساسی و مهم توفیق آن در عرصه عمل خواهد بود. قطعاً منظور از مهندسی فرهنگ، تولید یک طرح یا سند علمی و پژوهشی محض – اما ناکارامد و غیرمؤثر – نیست، بلکه

تلاش و طراحی راه‌گشا و جهت‌بخشی است که بتواند در سطوح و لایه‌های مختلف، چگونگی اصلاح و ارتقاء فرهنگ را رقم بزند. بنابراین مسیر طراحی آن باید به گونه‌ای ترسیم شود که بتواند بالاترین حد توافق و اجماع را جلب نماید و در عین بنا شدن بر مبانی و اصول معتبر و مقبول — که مشروعيت این نقشه را تأمین خواهد کرد — از اعتماد و توجه عاملان و مولدان هم برخوردار باشد. شرط لازم برای تحقق این اصل، جلب مشارکت و حضور همه صاحب‌نظران، فعالان، نخبگان، مدیران و کارشناسان در فرایند مهندسی فرهنگ است. توجه به نیازها، مطالبات، شرایط و امکانات نرم‌افزاری و محتوایی فرهنگی مناطق، قشرها و اقوام گوناگون و به کار گرفتن همه دیدگاه‌ها، نظریات و تحلیل‌ها و زمینه‌سازی برای حضور فعال و اثربخش مراکز پژوهشی، فرهنگی، آموزشی و علمی جامعه در این فرایند، می‌تواند زمینه مشارکت حداکثری را در این عرصه فراهم سازد. طراحی ساز و کارها و روش‌هایی که بتواند مجموعه جامعه را، که مخاطبان نهایی مهندسی فرهنگ‌اند، در گیر این موضوع نماید و تعامل و تعالی فکری همه قشرها را برانگیزد و نیز اطلاع‌رسانی گسترشده و کافی در مجموعه فرایند مهندسی فرهنگ، موضوع مهمی است که باید لحاظ گردد. بدون رعایت اصل مشارکت و تحقق اجماع حداکثری در طراحی نقشه نهایی اصلاح فرهنگ، نمی‌توان نتیجه مورد نظر را انتظار داشت. مقام معظم رهبری<sup>۳</sup> در این باره می‌فرمایند:

برخورد افراطی از دو سو امکان‌پذیر است و تصور می‌شود؛ یکی از این طرف که مقوله فرهنگ را مقوله غیر قابل اداره و غیر قابل مدیریت بدانیم، مقوله رها و خودرو که باید سر به سرش گذاشت و وارد آن شد. متأسفانه این تفکر در جاهایی وجود دارد و عده‌ای طرفدار رها کردن، بی‌اعتنایی و بی‌نظراتی در امر فرهنگ هستند، که این تفکر، تفکر درستی نیست و افراطی است. در مقابل، تفکر افراطی دیگری وجود دارد که آن سخت‌گیری خشن و نظارت کترنل‌آمیز بسیار دقیق است. این تفکر به همان اندازه غلط است. ما نه معتقد به ولنگاری و رهاسازی هستیم، که به هرج و مرچ خواهد انجامید، نه معتقد به سخت‌گیری

شدید؛ اما معتقد به نظارت، مدیریت، دقت در برنامه‌ریزی و شناخت درست از واقعیات هستیم (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲).  
نه باید تحولات را سرکوب کرد، نه باید تسیم هر تحولی شد (دیدار استادی و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵).

#### ۴. انسجام / استناد

مهندسی فرهنگ، باید بتواند درباره چیستی و چگونگی اصلاح و ارتقاء فرهنگ جامعه به ارائه راه کارهای کلان دست یابد. این راه کارها، اگر پراکنده، مقطوعی و از هم گسیخته باشند، نمی‌توانند در عرصه عمل کارساز باشند، لذا یک پارچگی و انسجام از اصول و شرایط لازم برای این مهم می‌باشد. در عین حال باید رهنمودها و راه کارهای ارائه شده، به مبانی نظری، یافته‌های پژوهشی و ادله مورد قبول و اطمینان‌بخشی مستند باشند. مشهورات و استدلال‌های تمثیلی و خطابی، باید در این امر مهم جایگاهی داشته باشند. از این رو روش‌شناسی مهندسی فرهنگ و ترسیم و تعیین قواعد و اصولی که در فرایند مهندسی فرهنگ می‌تواند و باید مبنای قرار گیرد اهمیت خاصی دارد. گام نخست برای رعایت اصل استناد، تدقیق منابع و روش‌های دست‌یابی به راهبردهای اساسی و راه کارهای کلانی است که نتیجه این فرایند خواهد بود. اصل انسجام و یک پارچگی نیز تا حدود زیادی تابع اصل استناد است، ولی توجه به آن، به عنوان یک اصل مستقل، برای پرهیز و پیش‌گیری از گسست و پراکندگی ضروری است. در رابطه با اصل انسجام مقام معظم رهبری <sup>۳۰</sup> می‌فرمایند: فرهنگ کشور کلاً به یک نظم، جهت‌گیری، جهت‌یابی و انسجام بخش‌های گوناگون دولتی و غیردولتی در باب فرهنگ احتیاج دارد (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱).

#### ۵. مراتب متكامل / اكمال متقابل

مهندسي فرهنگ امری است ذومراتب و دارای مراحل و گام‌های تکامل‌یابنده. نقشه اصلاح فرهنگی نمی‌تواند طرحی مطلق و دفعی باشد، بلکه ضمن رعایت

اصول پیش‌گفته و برخورداری از جامعیت، یکپارچگی و انسجام، طرحی است که باید مرحله به مرحله ارائه گردد و در طراحی هر مرحله، نتایج و بازخوردهای به دست آمده از مراحل پیشین به کار گرفته شود. ممکن است در نخستین مرتبه و مرحله، اجرای آزمایشی طرح توصیه شود و پس از حصول اطمینان نسبی از درستی و کارامدی طرحی که ارائه شده است، اجرای آن تعمیم یابد. در عین حال این مراتب و مراحل، باید یکدیگر را به گونه‌ای متقابل تکمیل کنند و علاوه بر این، راهبردهای طرح در مورد لایه‌ها و اجزاء مختلف فرهنگ، باید زمینه‌ساز رشد و اصلاح سایر لایه‌ها و اجزاء باشد و بتواند اجرای نقشه اصلاح را در آن اجزاء تسهیل و تسريع نماید. اصل اکمال متقابل همچنین اقتضا می‌کند که طراحان، رابطه اصلاح و ارتقاء هر جزئی از اجزاء فرهنگ را با سایر اجزاء و نوع آن رابطه بررسی کنند و در ارائه راهبردهای کلان و راه‌کارهای اساسی به آن توجه نمایند. این اصل فراتر و عمیق‌تر از اصل انسجام، فقط ناظر به پیوند بخش‌های مختلف این نقشه نیست، بلکه تأثیرات متقابل ایجابی یا سلبی تغییرات را که در بخش‌های مختلف رخ می‌دهد، مورد ملاحظه قرار می‌دهد. این اصل، فرایند مهندسی فرهنگ را به صورت فرایندی حلقوی و به هم پیوسته ترسیم می‌کند و نه فرایندی خطی. در حقیقت در هر حلقه از این فرایند، همه مراحلی که برای تدوین نقشه اصلاح فرهنگ مورد نیاز است، به صورت تکامل‌یابنده و اصلاح‌شونده تکرار می‌شود و گام‌های مختلف را رقم می‌زند.

نمی‌گوییم انسان‌ها یکسره تبدیل به فرشته می‌شوند؛ اما یکسره تبدیل به انسان‌هایی می‌شوند که در این راه تلاش و مبارزه می‌کنند (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۳).

تدریجی بودن با مفهوم انقلاب منافات ندارد، تحول تدریجی یعنی یک جهت‌گیری انقلابی انجام می‌گیرد، بعد حرکت در این جهت‌گیری، زمان می‌خواهد و در طول زمان این کار انجام خواهد شد. ما انقلاب فرهنگی مان را در

حقیقت از شروع انقلاب یا اندکی پیش از انقلاب شروع کرده‌ایم (نخستین سالگرد تشکیل شورای انقلاب فرهنگی، اولین هم‌اندیشی بررسی ابعاد گسترش و تعمیق انقلاب فرهنگی اسلام، ۱۳۶۴).

فرهنگ یک ملت را می‌شود با عوامل تأثیرگذار به تدریج عوض کرد (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳).

### نتیجه‌گیری

هر جامعه و سازمانی که دارای فرهنگ غنی‌تر و قوی‌تر باشد، جامعه و سازمانی منسجم‌تر و پویاتر خواهد بود. در فرهنگ قوی، گویا همه افراد جامعه یا سازمان به آن فرهنگ به شدت متعهد می‌باشند. فرهنگ غنی فرهنگی است که دارای مبانی، مفروضات، ارزش‌ها و نمادهای کامل و صحیح باشد. جوامع و سازمان‌هایی که از فرهنگ غنی و قوی برخوردار نباشند، در ادامه حیات خود، کارامدی، اثربخشی و موفقیت لازمه را نخواهند داشت. رسیدن به فرهنگ متعالی، فلسفه وجودی، رسالت و مأموریت اصلی نظام جمهوری اسلامی براساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. آن چه در رسیدن جامعه به فرهنگ متعالی کمک می‌کند، مدیریت و مهندسی فرهنگی است. به این ترتیب فرهنگ مدیریت شده موجبات تحول در جامعه را فراهم می‌کند.

با الهام از رهنمودهای مقام معظم رهبری<sup>۳۰</sup> و با توجه به چشم‌انداز بیست ساله کشور و برنامه چهارم توسعه به عنوان برنامه اول در برنامه‌های دست‌یابی به اهداف چشم‌انداز، حوزه فرهنگ پس از آسیب شناسی باید تابع برنامه‌ریزی شود. وظیفه آن به عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. در کنار شورای عالی انقلاب فرهنگی مسلمًا مردم، به عنوان صاحبان و مروجان فرهنگ به نسل‌های بعدی، می‌توانند بهترین شرکای مدیریت نظام فرهنگی و اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی باشند.

## منابع و مأخذ

۱. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۷۲)، «دیدار با علما و روحانیون تبریز».
۲. ----- (۱۳۸۳)، «دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».
۵. ----- (۱۳۸۲)، «دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».
۶. ----- (۱۳۸۱)، «دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».
۷. ----- (۱۳۷۹)، «دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی».
۸. ----- (۱۳۸۵)، «دیدار استادی و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان».
۹. ----- (۱۳۶۴)، «نخستین سالگرد تشکیل شورای انقلاب فرهنگی اولین هم‌اندیشی بررسی ابعاد گسترش و تعمیق انقلاب فرهنگی اسلام».
۱۰. ----- (۱۳۷۳)، «دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث».
۱۱. حبیبی، محمد (۱۳۷۹)، خصایص مدیران فرهنگی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۱۲. سیفی، پری و عبیدی، حسنی (۱۳۸۹)، «مهندسی فرهنگی و جهانی شدن»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۶۹.
۱۳. علمداری، شهرام و ادیب، مصطفی (۱۳۸۶)، «ثقلین گران قدر؛ الگوهای راهبردی طراحی ساختار مهندسی فرهنگی جهان اسلام»، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۱۰ و ۱۱.
۱۴. طاهری، هادی (۱۳۸۹)، «ضرورت مهندسی فرهنگی در نظام اسلامی»، فصلنامه فلسفه و کلام، شماره ۳۵.
۱۵. فرهی بوزنجانی، برو佐 (۱۳۸۸)، «روش تبیین نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ۵.
۱۶. فلاحی، حسین (۱۳۹۱)، پودمان آموزشی مدیریت فرهنگ با رویکرد مهندسی فرهنگی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان.
۱۷. گال، مردیت، (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی تربیتی، به اهتمام احمد رضا نصر، انتشارات سمت.
۱۸. محسنیان زاده، محسن (۱۳۸۹)، «الگوی اکولازی در مهندسی فرهنگی کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی، سال یازدهم، شماره ۱۱۲.
۲۰. مختاریان پور، مجید (۱۳۸۸)، «مهندسی فرهنگی لازمه تعالی جامعه اسلامی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ۵.
۲۱. مقدس، محمد (۱۳۸۰)، راهبرد فرهنگی جهان اسلام، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، الهدی.
۲۲. مهردوست، حسین؛ علی زاده، نادی و رعیتی، محمد رضا (۱۳۹۰)، «بررسی نقش معلمان در مهندسی فرهنگی کشور»، نشریه مدیریت فرهنگی، شماره ۱۴، دوره ۵.
۲۳. ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۵)، تحلیلی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مهندسی فرهنگی کشور، چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

